

## چگونه

کتابخانه مدرسه فیضیه

### با مشکلات زندگی مبارزه کنیم؟

دوستی داشتم که بقول سعدی - مانند دو مغز بادام در یک پوست بودیم چندی قبل پیش من آمد ، چهره اش گرفته بود و ابروانش درهم کشیده ، پس از سلام و تعارفات جزئی از گرفتاریهای گوناگون خود کله آغاز کرد ، تا آنجا که گفت :

چند روز است که دست از کسب و کار خود کشیده و دیگر به مغازه نمیروم دیو مهیب غم و محنت چنگالهای خود را تا اعماق دل من فرو برده است ، زندگی را برای خود دیگر تنگ میدانم ...

نگذاشتم بسخنانش ادامه دهد با نگرانی تمام پرسیدم : مگر چه شده ؟

چشمان مشکیش پر از آب شد و آهی از دل کشید و چنین گفت :

و تو خود میدانی که من نسبت بخودم در میان مردم ، حیثیتی دارم و تا کنون بهر وسیله ای که بوده آبرو و شرف خود را حفظ کرده ام ، ولی اکنون روزگار مرا بیازی گرفته و آبرویم در خطر افتاده است .

در عرض این چندماه اخیر دوسه معامله بزرگ کرده ام ، و در همه زیان گذاشته ام ، و اکنون بچند نفر از بازاریها پولهای هنگفتی بدهکارم و تا مدت بیست روز باید تمامی بدهیم را پرداخت کنم ، در صورتیکه شاید کلیه دارایی من با اندازه یک دهم قرضهایم نباشد . با این حساب ورشکستگی من پس از چند روز قطعی است .

آری اینست آن مصیبتی که دنیا را با آن فراخیش در چشم من تنگ کرده است و آسایش و راحتی را بمن حرام نموده ، خواستم تو را هم بدینوسیله ، شریک محنت خود سازم .

از هر کجای دلم که بود ، مقداری غم و اندوه فراهم نموده ، بصورت آوردم و بالحنی که حاکی از تأثرم باشد گفتم :

من از این پیش آمدی که بشمار آورده بسیار اندوهگین شدم ، امیدوارم مرا هم شریک مصیبت خود بدانید ولی از تو یک سؤال کوچکی دارم : آیا حاضری با آنچه که من میگویم عمل بکنی و بنده هم ملتزم شوم که دست کم صدی نود مشکل تو خود بخود حل گردد ؟ سرش را بعنوان رضایت تکان داد و گفت :

البته ... با کمال میل ...

گفتم : قبلاً باید بدانی که از نگرانی و تشویش ، کاری ساخته نیست ، دست لرزان هرگز گره باز نمیکند ، منشأ بیشتر حوادث ناگوار ، اضطراب و نگرانی است . برای اینکه از دست هیولای وحشتناک « نگرانی » رهایی یابی و هم ریشه آنها بسوزانی ، دوستانه از تو تقاضا میکنم بروش بسیار ساده زیر عمل کنی و برای بکار بردن آن که دارای سه مرحله است حد اکثر کوشش را بعمل آوری (۱)

**مرحله اول** - وضعت خود را بدون کم و زیاد و با کمال بیطرفی تجزیه کن و بدترین نتیجه‌ای را که ممکن است دامنگیر تو شود ، در نظر بگیر . البته پس از گذشتن ۲۰ روز ، ترا اعدام نکرده و بزندان نمایاندازند مهمترین خطری که در پیش است ، ورشکستگی و رفتن آبرو و حیثیت تو است .

**مرحله دوم** - پس از آنکه بدترین عواقب این پیش آمد را در نظر آوردی خود را برای تحمل آن در صورت لزوم ، آماده کن و به قبول رنگ « بالاتر از سیاهی » تن بده .

**مرحله سوم** - بعد از آن ، با کمال خونسردی ، تمام نیرو و قدرت خود را

(۱) - متن این روش با مختصر تغییر از کتاب آئین زندگی - دلیل -

کارنگی صفحه ۴۹ اتخاذ شده .

درواه اصلاح آن بدترین عواقبیکه ذهناً پذیرفته‌ای ، بکار بینداز .  
 هرروز - بازهمه‌یگویم : باکمال خون‌سردی - بهمغازه برو و باپشتکارو  
 جدیت تمام به کار خود مشغول باش سربست روز خواهی دید چگونه لا اقل  
 صدی نودمشکل توحل شده است .

آیا حاضری این تقاضای بنده را با آنهمه سوابق دوستی که باتو داریم  
 به‌پذیری آیا حاضری ؟ ...

دوست من که محوشنیدن این کلمات گشته بوده ، چون سخنان مرا پایان  
 یافته دید ، تکانی خورد و بالحنی بسیار جدی گفت : حاضرم ، حاضرم ...  
 اگر تقاضای گشته‌شدم را هم می‌کردی باز حاضر بودم ... پس از لحظه‌ای دست  
 مرا بعنوان خداحافظی فشر دو بیرون رفت ...

بیست روز تمام گذشت و من از او خبری نداشتم ، برای اینکه از سرانجام  
 کارش اطلاعی حاصل کنم ، بدیدارش رفتم ، از دور که نگاهش بمن افتاده  
 است بهام آمدیدم قطرات اشک شوق از دید گانش سرازیر شد خواست حرفی بزند  
 نگذاشتم و باشنا بزدگی تمام پرسیدم : هر چه زود تر بگو عاقبت کارت چه شد ؟  
 گفت : هنگامیکه از تو جدا شدم ، طبق دستوریکه داده بودید ، یکسره بیبازار  
 آمدم و دکانم را باز کردم و در عرض این بیست روز ، معاملاتی فراوان نموده  
 و سودی بسیار جستم و خدا را شکر می‌کنم که توانستم تمامی قرضهایم را پرداخت  
 کنم و اگر نبود آن روشی که شما بمن آموختید ، بیبازار نمی‌رفتم و این معاملات  
 نصیب من نمیشد و علاوه از ورشکستگی مالی به ورشکستگی جسمی و روحی هم  
 گرفتار آمده بودم ...

\* \* \*

شما ای خواننده عزیز ! اگر در پیش آمدی به نگرانی و تشویش گرفتار  
 شدید ، از روشی که در بالا ذکر شده هرگز غفلت نورزید ، اجازه بدهید یکبار  
 دیگر خلاصه روش مذکور را که شامل سه مرحله است از «باز» «دلیل کارنگی»  
 بازگو کنم :

۱ - از خود بپرسید : بدتر از بدش چه خواهد شد ؟

۴ - خود را برای قبول و مقابله با آن ؛ در صورت وقوع آماده کنید .

۳ - آنوقت با آرامش خیال و جمعیت خاطر ، در اصلاح آن «بدتر از بد» بکوشید (۱)

امام صادق (ع) فرمود : من لم يعد الصبر لنوائب الدهر يعجز (۲)  
هر کس صبر و تحمل را برای حوادث روزگار ذخیره نکند ، در میدان نبرد زندگی درماند .

علی علیه السلام فرمود : الصبر فی الامور بمنزلة الرأس من الجسد فاذا فارق الرأس الجسد و اذا فارق الصبر الامور فسدت الامور (۳) صبر در امور بمنزله سر از بدن است چون سر از تن جدا شود ، تن فاسد گردد و چون در کارها صبر نباشد ، همه کار فاسد میشود .

(۱) - آئین زندگی صفحه ۵۵ (۲) - اصول کافی ج ۲ صفحه ۹۳ .

(۳) - اصول کافی ج ۲ صفحه ۹۰ .

## تذکر و تشکر

مرد نیکوکار و روشن ضمیر ، آقای حسین کجوری  
تهرانی ، فرزند مرحوم حاج اسماعیل کجوری کتابخانه ای در  
حدود ۴۰۰ جلد کتاب با دو قفسه فلزی جای کتاب و قفسه کتابخانه  
مسجد اعظم نموده و فهرست و مشخصات کتب موقوفه را در دفترچه ای  
بطبع رسانده و جداگانه در اختیار مراجعین بکتابخانه گذارده اند  
ما این موفقیت بزرگ و عمل شایسته را باین مرد نیکوکار  
تهنیت گفته قبولی این باقیات صالحات و صدقه جاریه را برای  
ایشان از خداوند متعال خواهانیم .